شریعت سنگلجی

مدرسی چهاردهی، مرتضی

شریعت سنگلجی در کودکی بنام جدش رضا قلی خوانده می‏شد،در هزار و سیصد و ده متری قمری برابر هزار و دویست و هفتاد و یک خورشیدی چشم به جهان‏ گشود.پدرش حاج شیخ حسن سنگلجی از علماء و فقها معروف تهران بود که از اواخر عصر ناصری تا اوایل سلطنت پهلوی از معاریف روحانیان بشمار میرفت.جاج شیخ سنگلجی اصلا مازندرانی و از مردم نور و از روستای‏ ساسب بود،و از خویشاوندان جاج شیخ فضل اللّه نوری بشمار میرفت.پدرش‏ میرزا رضا قلی از فقهای بنام زمان خود و از شاگردان مبرز صاحب جواهر بود.در کودکی گرفتار بیماری آبله گشت و از دو چشم نابینا شد چون با کوری‏ چشم احتمال نمی‏رفت که مانند پدر بمناصب دیوانی رسد،پدرش او را از آغاز جوانی در لباس طلبه‏ها درآورد و برای تحصیل معارف اسلامی به نجف اشرف‏ فرستاد پس از تحصیل در آن دیار به تهران بازگشت و از مشاهیر علماء گردید. قبر وی در آرامگاه ناصر الدین شاه در کنار قبر حاج ملا علی کنی قرار دارد که همه آنان در جوار حضرت عبد العظیم در خاک خفته‏اند.پدر میرزا رضا قلی،میرزا شفیع مازندرانی از رجال و وزرای اوایل عصر قاجار بود، از اواخر سلطنت فتحعلی شاه تا اوایل پادشاهی ناصر الدین شاه از بزرگان کشور بشمار میرفت،و صورت نقاشی شده او در مجلس سلام محمد شاه قاجار در عمارت نظامیه که تا چند سال پیش به نام(لقانطه)در گوشه جنوبی میدان‏ بهارستان بود در بین رجال عصر قاجار دیده میشد.آرامگاه پدرش حاج‏ شیخ در باغ صفائیه در کنار چشمه علی(شهر ری)در مقبره وزیر نظام است.

تحصیلات:

رضا قلی از همان اوان کودکی از طرف پدرش حاج شیخ حسن به«شریعت» ملقب گردید.تحصیلات اسلامی خود را در نزد پدر و سپس در«مدرسه میرزا زکی»که مدرسه‏های طلبه‏نشین معروف تهران در کوی سنگلج بود آغاز کرد. و از محضر دانشمندان بزرگ عصر خویش برخوردار شد.آخرین دوره سطح‏ فقه را در محضر حاج شیخ عبد النبی نوری بپایان رسانید علم حکمت و فلسفه را در نزد میرزا حسن کرمانشاهی که یگانه فیلسوف مشائی قرن اخیر ایران بود تکمیل کرد و در نزد آقا میرزا هاشم اشکوری که مدرس منحصر به فردی در آن‏ زمان در علم عرفان بود بیاموخت«او از محضر عالم کلامی شیخ علی نوری و حاج‏ شیخ فضل اللّه‏1نوری که ا زعلمای مشهور عصر بودند استفاده کرد،و سپس‏ بهمراه برادر کهترش آقا شیخ محمد سنگلجی«استاد دانشگاه تهران»برای‏ تکمیل تحصیلات روحانی به نجف اشرف رفت و از محضر درس خارج فقیهان‏ و مجتهدان بزرگی چون استادان بزرگ،آقا ضیاء الدین عراقی(در 1361 هـ.ق درگذشت»و آقا سید ابو الحسن اصفهانی«در 1365 هـ.ق درگذشت» استفاده نمود2

شریعت سنگلجی از دو سال پیش از رفتن به نجف اشرف در حیاط بیرونی‏ خانه پدری خود که طالاری بزرگ داشت بر منبر میرفت و بحث‏های علمی و دینی‏ (1)-نگاه کنید بکتاب تاریخ فلاسفه اسلام«2 جلد»تألیف مرتضی‏ مدرسی چهاردهی چاپ تهران.

(2)-نگاه کنید به کتاب تاریخ روابط ایران و عراق«بخش تاریخ فقه- فقها مذهب جعفری»تألیف مرتضی مدرسی چهاردهی. و اخلاقی را طرح مینمود.فضلا و طلاب و دانش‏پژوهان از گفتار او بهره‏مند میشدند.و مدتی هم در مسجد کوچکی که میدانکی کنار میدان سنگلج قرار داشت بامات جماعت می‏پرداخت،پس از بازگشت از عتبات در سال هزار و سیصد و چهل قمری امامت جماعت ار بکلی ترک گفت و کار دینی خود را منحصر به امر تبلیغ کرد و چون طالار حیاط بیرونی خانهء پدرش گنجایش نداشت و روزبروز جمعیت برای شنیدن سخنرانی‏های مذهبی و روحانی او روی به افزونی‏ نهادند،از سال هزار و سیصد چهل قمری بنا شد در شبستان مدرسه طلاب روبروی‏ خانه پدرش حاج شیخ حسن که بنام«مدرسه وکیل الملک کرمانی»خوانده میشد و تولیت آن را حاج شیخ حسن سنگلجی داشت بوعظ و تبلیغ مشغول شد،هر شب پنجشنبه-یعنی چهارشنبه شب-در آن مدرسه بر منبر میرفت و تا پایان‏ عمر تبلیغ و وعظ در این شب را هم‏چنان ادامه داد.

در سال 1318 خورشیدی به سبب خراب شدن کوی مرکزی سنگلج از طرف شهرداری تهران،مدرسه وکیل الملک،که دار التبلیغ شریعت بود و خانه‏ او و کسانش که در همسایگی آن مدرسه قرار داشت ویران گردید،او بناچار خانه خود را به خیابان شاهپور که کوچه‏یی جنب گذر و زیر دفت رانتقال داد و در همان سال مشغول ساختمان دار التبلیغ نوینی که در زمان خود از جنبه کعماری‏ نمونه بود گردید.

برای اینکه تعطیلی در اثر تبلیغات اسلامی او روی ندهد موقتا تا پایان‏ بنای تازه دار التبلیغ در مسجد شوهر خواهرش حاج شیخ علاء الدین مشکور1 «در گذشته در 1345 خورشیدی»که در خیابان بوذ جمهری غربی جنب کوچه‏ شریف الدوله قرار دارد د رهمان شب‏های پنجشنبه مشغول به تبلیغ گشت.

پس از پایان بنای دار التبلیغ که محل آن هم‏اکنون در خیابان فرهنگ‏ قرار دارد و به نام«دار التبلیغ شریعت سنگلجی»موسوم است از اوایل سال‏ 1319 خورشیدی به کار وعظ و تبلیغ پرداخت و تا پایان عمر،هر هفته در شب‏های پنجشنبه،در آنجا بر منبر میرفت و مردم را به حقایق دین مبین اسلام‏ آگاه و ارشاد می‏نمود.